

جبران ضرر اقتصادی محض*

دکتر محمدجعفری مجد
استادیار عضو هیات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سید یاسر حسینی
دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی

چکیده

در زندگی اجتماعی سود و زیان به هم آمیخته است. هر کس نفعی می برد به گونه ای باعث ضرر دیگران می شود؛ ولی همه ی این ضرر ها ایجاد مسئولیت نمی کند. بسیاری از خسارات لازمه زندگی اجتماعی است و عرف به دید تسامح از آنها می گذرد. در این مقاله ضرر اقتصادی محض و قابلیت جبران آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ضرر اقتصادی محض یا همان ضررهایی که دارای منشا مادی یا بدنی نیستند. در نظام های حقوقی مختلف با مصادیق ضررهای اقتصادی به طرق مختلفی برخورد می شود. هدف این مقاله در ابتدا ارائه تعریفی ملموس از ضررهای اقتصادی و سپس ارائه مصادیق آن در یک طبقه بندی مشخص است و سپس سعی بر آن است که رویه عملی نحوه برخورد با این ضررها را به صورت تطبیقی تشریح کرده و به اختصار تئوری های مطرح شده در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش قابلیت ضرر اقتصادی را تبیین کند.

واژگان کلیدی:

ضرر اقتصادی محض، ضرر اقتصادی فرعی، مسئولیت مدنی، ضرر شخص

* تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۲/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۶/۶

نشانه پست الکترونیکی نویسنده: mjaafarimajd@yahoo.com

۱- مفهوم ضرر اقتصادی محض واقسام آن

۱-۱ مفهوم ضرر اقتصادی محض

ضرر در حقوق غرب به سه دسته کلی ضرر جسمی^۱ ضرر اقتصادی نتیجه ای^۲ و ضرر اقتصادی محض^۳ تقسیم می شود. ضرر اقتصادی در معنای وسیع خود به ضرری اطلاق شده است که عیناً قابل ارزیابی و قابل جبران باشد بطوری که بعد از جبران ضرر، زیان دیده احساس نکند که متحمل ضرری شده است (Cane, 1996, p 5). آنچه در این تعریف آمده است، معنای عام و وسیع ضرر اقتصادی است؛ اما آنچه در این مقاله منظور نظر است ضرریست قطع نظر از ضرر های مالی و مادی. در واقع ضررهای مالی و ضررهایی که دارای منشا مادی است (ضرر اقتصادی نتیجه ای یا ضرر اقتصادی فرعی) چنانکه خواهد آمد از بحث مقاله مذکور خارج است و در قابلیت مطالبه ی آنها به شرط وجود شرایط خاص خود هیچ شک و شبهه ای نیست^۴.

اما در مفهومی که مد نظر این مقاله است ضرر اقتصادی محض به منافع^۵ حاصل یا در حال کسب اطلاق می شود که در مقابل ضرر به شخص خواهان و ضرر به دارایی وی قرار می گیرد (De Mot, 2005, p2). یا چنانکه برخی گفته اند ضرریست در مقابل آن خسارتی که به خواهان یا دارایی وی وارد شده است (Bussani and Palmer, 2003, p5).

بنابراین در یک تقسیم بندی کلی ضرر اقتصادی به دو دسته تقسیم می شود.

۱) ضرر اقتصادی، فرعی (یا پاراستیک یا به اصطلاح انگلی) یا به عبارت دیگر ضرر با منشا مادی و خسارت به حیات، سلامتی و اموال عینی
۲) ضرر اقتصادی محض به مفهومی که گفته شد.

البته در تعیین مصادیق هر یک از این دسته ها هم اختلاف نظر وجود دارد؛ مثلاً اینکه آیا تغییر اطلاعات روی هارد دیسک یک کامپیوتر به عنوان خسارت به شی ملموس و عینی در نظر گرفته می شود یا خیر؟ یا اینکه ساخت غیر استاندارد یک ساختمان که مالک را ناگزیر به بازسازی مجدد آن می کند، آیا یک خسارت جسمی است یا یک ضرر اقتصادی محض؟^۶

درواقع تحت عنوان ضرر اقتصادی محض، شمار وسیع و گوناگونی از دعاوی قرار می گیرند که دارای منشا گوناگونی هم هستند. برای این قسم از ضرر ها هیچگاه تعریف مشترکی که مورد اتفاق همه باشد وجود نداشته است (Von Bar, 2004, p119) و به همین خاطر است که برخی با تاکید بر این مساله که هیچ گونه اجماع عامی در خصوص

تعیین مفهوم دقیق و مصادیق ضرر اقتصادی محض وجود ندارد به تعیین سرحدها و نشانه هایی برای شناخت اینگونه ضرر ها پرداخته اند. از جمله این تعاریف گفته شده است که ضرر اقتصادی محض همیشه در تقابل با خسارات وارده به شخص و اشیای ملموس و خسارات ناشی از آنهاست (Van Boom and Koziol, 2004, p5).

۱-۲ اقسام ضرر اقتصادی محض

برای تشریح بهتر مفهوم «ضرر اقتصادی محض» یکی از تقسیم بندی های معروفی که در این زمینه ارائه شده را ذیلاً بیان می کنیم. در این طبقه بندی مصادیق ضرر اقتصادی محض در چهار قسم اصلی دسته بندی شده است (De Mot, 2005, p7):

۱) دعاوی ضرر ارتجاعی

۲) دعاوی ضرر منتقل شده

۳) دعاوی متوقف ساختن خدمات عمومی و زیربنایی

۴) دعاوی مشاوره ای حرفه ای ناقص .

۱-۲-۱ دعاوی ضرر ارتجاعی ۷:

در دعاوی ضرر ارتجاعی ، ضرری مادی به دارایی یا شخصیت طرفی غیر از خواهان پرونده وارد شده است. به عبارت دیگر در این قسم از دعاوی خسارت مادی به دارایی یا شخصیت شخص ثالثی وارد و باعث ورود صدمه به حقوق وی شده است. (Von Bar, 2004, p121)

نمونه ی آن موردی است که شخصی با بی احتیاطی یک کابل متعلق به تاسیسات عمومی را از بین می برد (De Mot, 2005, p7). در این قسم از دعاوی که موسوم به دعاوی کابل^۸ هستند؛ نظام هایی همچون فرانسه، بلژیک و یونان قائل به قابلیت جبران این ضررها هستند؛ برخلاف حقوق کشورهای همچون آلمان، پرتغال و سوئد که جبران چنین ضرری را به رسمیت نمی شناسند (Parisi and Palmer and Bussani, 2007, p39). نمونه دیگر مربوط به فرضی است که در یک سانحه ی رانندگی ، یک ستاره فوتبال صدمه می بیند و در نتیجه ی آسیب دیدگی این بازیکن ، تیم او در رده بندی مسابقات سقوط می کند^۹. این قسم از ضرر در حقوق کشورهای همچون فرانسه و ایتالیا قابل جبران و در کشورهای چون انگلیس، یونان و هلند غیر قابل جبران تلقی شده است (Parisi and Palmer and Bussani, 2007, p39).

۱-۲-۲ دعاوی ضرر انتقال یافته^{۱۰}:

دعاوی هستند که در آنها مقصر سبب خسارت به دارایی یا شخصیت زیان دیده می شود؛ اما یک قرارداد یا قانون ضرر را به شخص ثالثی منتقل می کند. در چنین مواردی، ضرری که

به وسیله ی زیان‌دیده ی نخستین تحمل شده ، به زیان‌دیده ی ثانوی منتقل می شود . یعنی به کسی که یک تعهد قراردادی در تضمین ضرر دارد؛ یا کسی که نفعی قراردادی، در دارایی دیگری دارد . مثلاً زمانی که دارایی خسارت دیده موضوع عقد اجاره ، عقد بیمه ، یا موضوع یک قرارداد فروش معلق باشد (De Mot, 2005, p7). این قسم از ضرر اقتصادی در استرالیا، بلژیک و فرانسه قابل مطالبه است (Parisi and Palmer and Bussani, 2007, p39).

۱-۲-۳ دعاوی متوقف ساختن خدمات عمومی و زیربنایی^{۱۱}:

در اینگونه دعاوی به دارایی یا شخصیت فرد خاصی ضرر وارد نمی شود؛ بلکه ضرر اولیه در قلمرو عمومی و به اصطلاح به اموال عمومی وارد می شود (von bar, 2004, p122). نمونه ی بارز آن موقعیتی است که یک فعل غیر محتاطانه سبب انسداد یک معبر عمومی می شود و این انسداد منجر به ضرر اقتصادی به اشخاصی می شود که تولید آنها وابسته به استفاده از این معبر عمومی است (De Mot, 2005, p8). دعاوی مذکور در فرانسه مورد پذیرش قرار می گیرند؛ اما در نظام حقوقی انگلیس و آلمان قابل مطالبه نیستند. موضع برخی از نظام ها مانند ایتالیا و هلند در این خصوص مشخص نیست (Parisi and Palmer and Bussani, 2007, p39).

۱-۲-۴ دعاوی مشاوره حرفه ای ناقص^{۱۲}:

اینگونه دعاوی مربوط هستند به مسئولیت کسانی که بنا به مقتضیات شغلی به ارائه مشاوره حرفه ای اشتغال دارند. در واقع وقتی اشخاص ثالث بر این مشاوره ها ، اطلاعات یا خدمات که با بی دقتی گرد آوری یا اجرا شده اند تکیه کرده و اقداماتی را انجام می دهند، ممکن است متحمل ضرر اقتصادی محض شوند (Von Bar, 2004 , p123). نمونه موردی است که سرمایه گذاری، با تکیه بر اظهارات حسابدار شرکت ، سهام آن شرکت را به قیمتی بیش از قیمت واقعی آن می خرد و متضرر می شود . در چنین فرضی اگر محاسبات حسابدار به علت بی دقتی و بی احتیاطی به نتیجه ی اشتباه منجر شده باشد موجب یک ضرر اقتصادی محض شده است . نمونه دیگر موردی است که به خاطر بی دقتی یا بی احتیاطی یک وکیل ، وصیت نامه ای نامعتبر دانسته شده و سبب ضرری اقتصادی به شخص ثالثی می شود (De Mot, 2005, p8). پس از بیان اقسام ضرر اقتصادی محض این مسئله جای بحث دارد که آیا اینگونه ضررها قابل جبران هستند یا خیر؟

۲- قابلیت جبران ضرر اقتصادی محض

در خصوص قابلیت جبران ضرر اقتصادی محض، بنا بر این که چه مبنایی در خصوص تجزیه و تحلیل جبران اینگونه ضررها اتخاذ شود به نتایج متفاوتی می توان رسید. این مبانی به دودسته کلی تقسیم می شوند: مبانی نظریه های مرسوم (نظریه های وظیفه گرا^{۱۳} و مبانی نظریه های ابزار گرا^{۱۴}).

در نظریه وظیفه گرا به مسئولیت مدنی به عنوان مجموعه ای از اصول و هنجارهای اخلاقی مسئولیت فردی، که در ارتباط با نحوه رفتار افراد با یکدیگر است نگریسته می شود و سعی بر آنست تا مسئولیت مدنی از طریق مفاهیم و ارزشهای اخلاقی مانند تقصیر، عدالت، حق، آزادی، برابری، رابطه علیت، قرارداد اجتماعی، ایجاد خطر ناروا و غیره توجیه شود (بادینی، ۱۳۸۴: ۶۴).

اما در نظریه های ابزار گرا به مسئولیت مدنی به عنوان وسیله و ابزاری برای دستیابی به هدف هایی که از نظر اجتماعی مستقلاً قابل توجیه و مطلوب است و مسئولیت مدنی اعتبار خود را از آن کسب می کند نگریسته می شود. این هدف ها عمدتاً عبارتند از کارایی اقتصادی، جبران خسارت، توزیع عادلانه خطرها و هزینه هادر بین کل اعضای جامعه و باز داشتن افراد از در پیش گرفتن رفتار غیر اجتماعی و زیانبار در آینده (بادینی، ۱۳۸۴: ۶۵). براساس دیدگاه طرفداران این مکتب، هر عملی که موجب افزایش ثروت می شود عادلانه و مباح است و هر عملی که ثروت را کاهش می دهد ناعادلانه و ممنوع است (انصاری، ۱۳۹۰: ۴۰).

البته طلایه داران این هر دو دسته برای اثبات صحت مبنای خویش و رد مبنای دیگر استدلالاتی دارند که در این مختصر نمی گنجد.

چنانکه گفته شد قابلیت جبران ضرر اقتصادی محض بر این اساس که چه مبنایی برگزیده شود به نتایج متفاوتی می انجامد. بنا به تقدم و قدمت نظریه ی وظیفه گرا در حوزه مسئولیت مدنی، ابتدا قابلیت جبران اینگونه ضررها از این دیدگاه بررسی می شود. در همین راستا به رویه اتخاذ شده در کشورهای مختلف و البته تاثیرگذار در حوزه مسئولیت مدنی مورد اشاره قرار خواهد گرفت. آنگاه پس از تبیین نظریه ابزارگرا، به مزایا و معایب اتخاذ اینگونه روش برخورد با ضرر اقتصادی محض از دیدگاه نظریه های وظیفه گرا و ابزارگرا پرداخته خواهد شد. در پایان نیز با توجه به مطالب ارائه شده روش برگزیده در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش قابلیت جبران ضرر اقتصادی محض تبیین خواهد شد.

۲-۱ قابلیت جبران ضرر اقتصادی محض از دیدگاه نظریه های مرسوم (وظیفه گرا)
بنابر قاعده ی ضرر اقتصادی، خواهان نمی تواند تقاضای جبران یک ضرر اقتصادی محض را نماید. به نظر وینریب تنها نقض مظاهر حق مانند تمامیت جسمی یا حقوق

مربوط به مالکیت، خطاست و زیان محسوب می شود و بر اساس نظریه ی عدالت اصلاحی قابل جبران است؛ بنابراین این برتر شدن وضعیت یا عدم النفع هر چند که زیان محسوب می شود به تنهایی برای به جریان انداختن عدالت اصلاحی کافی نیست، مثلاً در دعوایی^{۱۵} که مالک هتلی علیه همسایه اش به دلیل اینکه ساختمان احداث شده توسط وی بعد از ظهرها بر قسمت حمام هتل سایه می افکند اقامه دعوا کرده بود، دادگاه با این استدلال که برای پذیرفتن دعوی، ورود زیان به تنهایی کافی نیست؛ بلکه لازم است حق قانونی خواهان توسط خوانده نقض شده باشد و در این دعوی چنین حقی نقض نشده است، حکم به بی حقی خواهان داد. (وینریب، ۲۰۰۰، ص ۲۷)^{۱۶}

عدم قابلیت جبران ضرر اقتصادی محض بر مبنای محکمی استوار است. در اینجا به برخی از این مبانی اشاره می شود:

اول اینکه قابلیت پیش بینی ضررهای اقتصادی به نسبت زیادی، بسیار دشوارتر است. در واقع در اینگونه دعاوی به وسیله ی یک "قدرت پیش بینی متعارف" نمی توان چنین ضرری را پیش بینی کرد و بنابراین تحمیل مسئولیت ناشی از ضرری که شخص توانایی پیش بینی آن را نداشته منطقی و منصفانه نیست. البته این نظر مورد انتقاد قرار گرفته است. به این دلیل که همه ی مصادیق ضرر اقتصادی از نظر قابلیت پیش بینی دشوار نیستند و اینکه بسیاری از مصادیق ضررهای اقتصادی فرعی (نتیجه ای) هم هستند که به دشواری برای وارد کننده ی زیان قابل پیش بینی هستند اما در قابلیت جبران آنها هیچگونه تردیدی وجود ندارد.

دوم اینکه دارایی غیر مادی (یا به عبارت دقیق تر ضرر اقتصادی محض) نباید به همان میزان تمامیت جسمانی یا دارایی مادی (یا به عبارت دیگر ضرر اقتصادی فرعی) ارزیابی شود. در واقع همه ی منافع به یک میزان سودمند نیستند؛ باید از دارایی ملموس و عینی حمایت بیشتری صورت گیرد.

و بالاخره سومین دلیل بر رد قابلیت جبران ضرر اقتصادی اینگونه توجیه می شود که پذیرش دعوی مربوط به ضرر اقتصادی محض باعث ایجاد مشکلات مسئولیت نامحدود و دعوی فرعی متعدد گردد. در واقع در یک دنیای با شبکه بندی اقتصادی ضررهای اقتصادی محض به طور مسلسل وار به هم مرتبط هستند و یک فعل کوچک و ناچیز می تواند منجر به سلسله ای از دعاوی بی انتها و نامحدود شود و دادگاهها را با حجم وسیعی از دعاوی به هم پیوسته مواجه کند.^{۱۷ و ۱۸}

تنش های حاصل از برخورد عقاید موافقین و مخالفین قاعده ضرر اقتصادی موجب شد که دکترین های حاکم بر قاعده ی ضرر اقتصادی محض به سمت تعدیل مفاد این قاعده

حرکت کنند و در همین راستا سعی شد فقط در یک سری دعاوی خاص و به یک میزان خاص، قابلیت جبران ضرر اقتصادی پذیرفته شود. چنانکه خواهد آمد تا نیمه ی دوم قرن بیستم نظریه وظیف گرا تنها نظریه حاکم بر نظام مسئولیت مدنی و به تبع آن ضررهای اقتصادی محض بود.

۲-۲ قابلیت جبران ضرر اقتصادی محض از دیدگاه نظریه های ابزارگرا:

چنانکه گفته شد ابزار گرایی دیدگاهی است درباره ی علم که مطابق آن باید نظریه ها را به عنوان ابزار وادوات و وسیله هایی برای سازماندهی و طبقه بندی پدیده ها و رسیدن به اهداف خاصی در نظر گرفت. براین اساس نباید خود را با مساله درست بودن یک تئوری درگیر نمود؛ بلکه مساله اساسی مفید بودن نتایج یا پیش بینی هایی است که می توان از یک تئوری یا فرضیه خاص استنتاج کرد.^{۱۹}

از اواخر دهه ی ۱۹۵۰ میلادی عده ای از حقوقدانان و اقتصاددانان دانشگاه شیکاگو در صدد تسری اصول اقتصاد خرد مکتب کلاسیک جدید و روش فرد گرایانه ی آن، به حقوق و رفتارهای غیر بازاری انسان برآمدند. تحلیل اقتصادی حقوق یا اقتصاد حقوق در واقع یکی از نمود های نگاه ابزاری به حقوق است. این تحلیل به دنبال بازخوانی قواعد حقوقی از منظر روش و استدلال مفاهیم اقتصادی (اعم از خرد و کلان) است و در واقع پیامدهای علم حقوق را (در مراحل تقنین، تفسیر، و اجرای قواعد حقوقی) به لحاظ کارایی مورد مطالعه قرار می دهد (حبیبی، ۱۳۸۹، ص ۹).^{۲۰}

دیری نپایید که نگرش اقتصادی در تمام آمریکا، سایر کشورهای کامن لا و تعداد زیادی از کشورهای حقوق نوشته رواج پیدا کرد و سلطه گری نگرش اقتصادی بر تفکر حقوقی به اوج خود رسید؛ به نحوی که عده ای از حقوقدانان آن را مهمترین تحول دانش پژوهی قرن بیستم قلمداد نمودند (بادینی، ۱۳۸۲: ۹۶).

در تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی هدف از قواعد مسئولیت مدنی ارتقای رفاه اجتماعی از طریق ایجاد انگیزه برای کاهش حوادث و خطر ها، تحمیل و استناد درست و مناسب خسارات ناشی از حوادث و در آخر کاهش هزینه های اداری نظام مطالبه خسارت است. به عبارت دیگر در این تحلیل به دنبال به کار بستن قواعدی هستیم که میزان کارایی و رفاه اجتماعی را به حداکثر برساند. در حالیکه در تحلیل های سنتی مسئولیت مدنی تمرکز اصلی بر نتیجه اقتصادی و اجتماعی اعمال قواعد نیست؛ بلکه هدف اینست که عادلانه ترین و منصفانه ترین راه جبران خسارت را بیابیم و عدالت اصلاحی^{۲۱} را نسبت به آنچه در گذشته رخ داده است محقق کنیم و به عدالت توزیعی^{۲۲} و تحقق رفاه اجتماعی به عنوان هدف اصلی و مرکزی در آینده می پردازیم^{۲۳}. به علاوه در تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی

بیمه به عنوان یکی از ابزار های جبران خسارت و تحقق رفاه اجتماعی در نظر تحلیل گران قرار می گیرد. در حالی که در تحلیل های سنتی، بیمه موجب می شود تا نقش تنبیهی و بازدارندگی مسئولیت مدنی کم رنگ شود و بر عامل زیان از این حیث چندان فشاری وارد نگردد (shavell, 2004, p5)^{۲۴}.

یکی از اصول اساسی نگرش اقتصادی به حقوق اینست که رابطه مستقیمی بین نوع قواعد حقوقی، تغییر قواعد حقوقی و رفتار انسان وجود دارد و روش و ابزار های مورد استفاده اقتصاد خرد، می تواند نظریه ای قابل قبول برای پیش بینی رفتار افراد در صورت تغییر قواعد حقوقی و بررسی مجدد کارکرد نهاد های حقوقی ارائه کند. این نظریه در بردارنده سه اصل است: الف- حقوق بر رفتار افراد تاثیر می گذارد. ب- تاثیر حقوق بر رفتار افراد ماهیت اقتصادی دارد. ج- حقوق ابزاری است برای دستیابی به اهدافی خاص (بادینی، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

مسئولیت مدنی به شیوه های گوناگون می تواند کارایی اقتصادی را محقق سازد: از طریق وادار کردن انجام دهندگان فعالیت های زیانبار به احتساب هزینه های نهایی فعالیت خود (هدف درونی کردن هزینه های خارجی)، ایجاد انگیزه برای افراد جهت پیش گرفتن آن دسته از اقدامات احتیاطی که از نظر هزینه قابل توجیه است (هدف بازدارندگی اقتصادی)، و کاهش آثار اجتماعی ضرر از طریق توزیع آن در بین تمام اعضای جامعه یا بخشی از آن از راه های گوناگون؛ بویژه بوسیله فراهم کردن پوشش بیمه خصوصی یا هدف توزیع ضرر (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۹۶). بر این مبناست که کالابرسی پیشنهاد به توزیع زیان می کند؛ تا از هزینه ثانوی^{۲۵} جلوگیری شود.

اولین تحلیل اقتصادی حقوق در خصوص ضررهای اقتصادی به وسیله ی بیشاپ^{۲۶} مطرح شد (De Mot, 2005, P5-Dari Mattiacci, 2003, p5) و بعدها این تئوری توسط دیگر حقوقدانان تکمیل شد. در این زمینه می توان به تئوری های شاول^{۲۷}، لندز^{۲۸}، گلدبرگ^{۲۹}، متیاکی^{۳۰}، اسپیفر^{۳۱} و برخی دیگر اشاره کرد.

در همین راستا، طرفداران این مکتب با بررسی اقتصادی قابلیت جبران ضرر اقتصادی محض نظریه ای پایه ریزی کردند که پایه و اساس آن تقابل ضرر خصوصی^{۳۲} و ضرر اجتماعی^{۳۳} است. در ادامه به تبیین این نگرش و نتایج آن خواهیم پرداخت.

عموماً در موارد ضرر جسمانی بین فعل و میزان هزینه ی ضرر خصوصی و ضرر وارد به اجتماع رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر ضرر اقتصادی فرعی، همانطور که یک هزینه ی شخصی به زیان دیده وارد می کند و دارایی یا شخصیت وی را مورد هدف قرار می گیرد، به عنوان یک هزینه ی اجتماعی که به جامعه وارد شده است هم محسوب می شود.

در چنین مواردی باید برای زیان‌دیده قائل به مسئولیت کامل شد تا با اعمال ممانعت موثر از اینگونه افعال هزینه‌ی اجتماعی کل کاهش یابد.

اما در خصوص ضرر های اقتصادی محض موضوع فرق می‌کند. برای مثال در مورد منافع سابق یا منفعی که در حال کسب هستند رابطه یک به یک، چنان که در ضرر اقتصادی فرعی گفته شده، بین ضرر خصوصی و ضرر اجتماعی ایجاد شده وجود ندارد؛ ممکن است متفاوت و حتی متعارض باشند و رابطه همبستگی منفی بین آنها برقرار باشد. عموماً میزان ضرر وارد شده به شخص از میزان ضرر اجتماعی بیشتر است و اختلاف بین این دو مقدار قابل توجه است. اما چنانکه گفته شد این امر ممکن است در بعضی از موقعیت‌ها به تناقض منجر شود. مثلاً ممکن است فعلی که سبب ضرر شخصی شود، موجب منفعت برای اجتماع شده باشد یا هیچ هزینه‌ای بر اجتماع وارد نکنند.

بر اساس این تحلیل، هرگاه رفتار غیر قانونی موجب ضرر خصوصی شود لازم نیست تمامی ضرر شخصی وارد بر وی مورد جبران قرار گیرد. تنها آن قسمت از ضرر خصوصی که حاکی از هزینه‌های اجتماعی است باید موضوع مسئولیت قرار گیرد.

به عبارت دیگر قواعد مسئولیت باید بر اساس توابع اقتصادی آنها به مرحله اجرا در بیایند و مسئولیت مثبت^{۳۴} را برای آثار خارجی منفی^{۳۵} و مسئولیت منفی^{۳۶} را برای آثار خارجی مثبت^{۳۷} مقرر دارد.^{۳۸}

به طور خلاصه این عملکرد دو گانه‌ی مسئولیت از طریق پرداخت خسارت به زیان‌دیده و پرداخت کمک‌های مالی به زیان‌دیده در فرض اخیر صورت می‌گیرد. در دنیای واقعی ما به ندرت چنین نظام مسئولیتی را با چنین عملکرد ترکیبی می‌توانیم بیابیم.

از نظر تحلیل گران اقتصاد حقوق ضرر اقتصادی به میزانی که در بردارنده‌ی آثار زیانبار خارجی (ضرر اجتماعی) باشد، باید جبران شود.

بنابراین در هر موردی که که ضراقتصادی محض به وقوع می‌پیوندد پنج حالت قابل تصور است:

وضعیت اول مربوط به موردی است که میزان ضرر خصوصی و اجتماعی با هم منطبق هستند. در این وضعیت قاعده‌ی ضرر اقتصادی نباید اجرا شود و بنابراین دعوی خواهان جبران خسارت در دادگاه قابل استماع خواهد بود.

در چهار وضعیت باقیمانده که معمولاً هم با این وضعیت هم‌ماجهیم مقادیر ضرر خصوصی و ضرر اجتماعی متفاوت است. "به عنوان یک معیار وقاعده‌ی عام در همه‌ی این موارد میزان بهینه‌ی مسئولیت باید به میزان ضرر اجتماعی باشد (Bussani and Palmer and Parisi, 2003, p30).

باین وجود در هر یک از این حالات که در ادامه به اختصار توضیح داده خواهد شد ملاحظاتی وجود دارد که اعمال مطلق قاعده اخیرالذکر رافاقد کارایی لازم می کند. فرض دوم مربوط به موقعیتی است که علی رغم اینکه ضرر اقتصادی محض موجب ورود ضرر اقتصادی محض به خواهان شده است، اما به دلایلی هیچ گونه ضرری به اجتماع وارد نشده است. برای مثال اگر به دلیل وقوع حادثه ای، تولیدات کالای خاصی متوقف شود، اما کسری آن کالا در بازار به وسیله تولیدکننده های دیگر آن کالا، جبران شود، هیچ گونه ضرری به اجتماع وارد نشده است. در این فرض و بنا بر تئوری اتخاذ شده قاعده عدم جبران ضرر های اقتصادی محض به طور کامل اجرا می گردد. (Bussani and Palmer and Parisi, 2003, p30).

فرض سوم موقعیتی را در بر می گیرد که ضرر اجتماعی وجود دارد اما میزان آن از ضرر خصوصی وارد شده کمتر است؛ مثلاً در همان مثال فوق اگر در نتیجه وقوع ضرر، کالای جایگزین با هزینه ی بیشتری تولید شود و قیمت کالا افزایش یابد، ضرر اجتماعی قابل تصور است و بنا بر این در این فرض باید قائل به جبران ضرر به میزان ضرر اجتماعی بود. فرض چهارم هم مربوط به وضعیتی است که ضرر اجتماعی کل از میزان ضرر خصوصی وارد شده به خواهان، بیشتر باشد؛ مثلاً اگر در مثال قبلی هیچ گونه کالایی جایگزین تولید نشود، ممکن است میزان ضرر اجتماعی از ضرر خصوصی بیشتر شود. در این فرض هم قاعده جبران ضرر اقتصادی به میزان ضرر وارد شده به اجتماع اجرا می گردد. (Bussani and Palmer and Parisi, 2003, p30).

اما از طرفی بنا بر یک قاعده حقوق مسئولیت مدنی زیان دیده حق مطالبه مبلغی بیش از میزان ضرر متحمل شده را ندارد. برای حل این اشکال پیشنهاد شده است که از راه حل های غیر قراردادی همچون تادیه به عنوان مالیات یا جریمه و... استفاده گردد. این همان سطح بهینه بازدارداری نسبت به طرفین دادرسی در فرض حاضر است. (Bussani and Palmer and Parisi , 2003 , p 30)

و اما در فرض آخر یعنی فرضی که میزان ضرر خصوصی وارد شده منفی و میزان ضرر اجتماعی مثبت باشد. چنانکه پیداست در این حالت با وجود اینکه ضرر در نتیجه فعل زیانبار به جامعه وارد شده است، اما همین فعل برای شخص ثالثی، ایجاد منفعت کرده است. (Bussani and Palmer and Parisi, 2003, p30).

ناگفته پیداست که در این فرض شخص ثالث هیچ گونه تمایلی به اقامه دعوی علیه فاعل فعل زیانبار نخواهد داشت. مطابق قاعده واکنش در خصوص چنین ضرر هایی اینست که به فاعل فعل زیانبار اجازه داده شود، به شخص ثالث جهت نفعی که بی جهت، دیگری از

فعل او برده است مراجعه کند و به تک تک افراد جامعه هم امکان مطالبه خسارت داده شود.

همانطور که دیده می شود اتخاذ چنین روشی باعث وقوع دعاوی نامحدود و بی شمار در دادگاهها می شود، که خود نتایج ناکارآمدی را در پی خواهد داشت. بنابراین به نظر می رسد بهتر است در چنین حالتی فاعل فعل زیانبار از مراجعه به شخص ثالث محروم شود و از طرف دیگر زیان وارد به اجتماع نیز غیر قابل جبران دانسته شود. در راستای حفظ انگیزه بازداری^{۳۹} بهینه هم نظر نگارنده اینست که می بایست توسط اهرم هایی همچون مالیات یا جریمه از وقوع چنین حوادثی توسط زیان دیده جلوگیری نمود.

۲-۳ قابلیت جبران ضرر اقتصادی محض در حقوق ایران

بحث از خسارات قابل جبران از دیرباز جزو موضوعات جنجال برانگیز حقوق مسئولیت مدنی بوده و نظرات مختلفی در این باره ارائه شده است. از مطالعه ی قوانین و مقررات ایران می توان نتیجه گرفت که در زمینه ی مسئولیت مدنی و ضمان قهری، قاعده کلی لزوم جبران کلیه خسارات در حقوق نوشته ایران وجود ندارد و این قاعده از این منابع استنتاج نمی شود. قانونگذار مقولاتی را به عنوان خسارت قابل جبران معرفی نموده و در مورد دیگر خسارات، که باتوجه به رشد و پیچیدگی روزافزون روابط اجتماعی جلوه های بسیار متفاوتی به خود گرفته، تصریحی ننموده است.^{۴۰} (بابایی، ۱۳۸۴: ۵۷)

برخلاف نظر برخی که معتقدند مفهوم ضرر اقتصادی محض در حقوق ایران بیشترین قرابت را با مفهوم عدم النفع دارد (بادینی، ۱۳۹۰: ۷۱)، به نظر می رسد در حقوق ایران نزدیک ترین مفهوم به ضراقتصادی محض اصطلاح "از دست رفتن فرصت" باشد. بسیاری از مصادیق ضرر اقتصادی محض در حیطه این مفهوم قرار می گیرد.

چنانکه برخی از نویسندگان (کاظمی، ۱۳۸۰: ۱۹۳) تصریح کرده اند، بین مفهوم از دست رفتن فرصت و مفهوم عدم النفع تفاوت وجود دارد. در واقع از دست رفتن فرصت شامل از دست رفتن فرصت تحصیل منفعت (عدم النفع) و فرصت اجتناب از ضرر می شود.

در خصوص قابلیت جبران عدم النفع در فقه و در حقوق ایران نظرهای مخالف و متفاوتی ابراز شده است که در فقه ناشی از اختلاف مبانی فقها و در حقوق ناشی از اجمال قانون است. این اجمال ناشی از اختلاف در مفاد بند ۲ ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی است؛ که به فاصله اندکی از هم تصویب شده اند. از طرفی ملاحظات اجتماعی روز و معایبی که عدم قابلیت جبران خسارت عدم النفع به طور مطلق ایجاد می کند باعث شده که برخی بر همین اساس سعی در توجیه و تشریح مصلحت

اندیشانه این اجمال داشته باشند. تفکیک بین خسارت های محقق الوصول^{۴۱} و محتمل الوصول^{۴۲} و یا تفکیک خسارت عدم النفع با خسارت ناشی از عدم النفع از جمله این توجیهات است. چنانکه برخی اظهار داشته اند که منظور قانونگذار از قابل مطالبه نبودن خسارات ناشی از عدم النفع مطلق خسارت نیست بلکه منظور خسارت محتمل الوصول است و نه محقق الوصول (اصغری آقمشهدی، ۱۳۸۱: ۸۹).^{۴۳}

در قابلیت جبران بقیه موارد یعنی عدم النفع محتمل و همچنین در مواردی که در نتیجه فعل فرصت اجتناب از ضرر از دست می رود، تردید کمتری وجود دارد؛ به طوری که اکثر نویسندگان بنابر مقتضیات عدل و انصاف معتقد به لزوم جبران اینگونه ضررها هستند.

در حقوق موضوعه ایران در خصوص ضرر های اخیر نص خاصی وجود ندارد و رویه قضایی مشخصی هم در این زمینه موجود نیست. طرح این مساله در حقوق ما تازگی دارد و از این جهت در پذیرش آن تردید شده است در شمارش علل این عدم پذیرش به دلایلی چون مسلم نبودن ضرر وعدم وجود رابطه سببیت اشاره شده است. با این حال چنانکه برخی از نویسندگان اشاره کرده اند، در همه فروضی که به دلایل اخیر نسبت به خسارت نهایی که وارد شده است قائل به عدم جبران هستیم، می توان نسبت به نفس از دست رفتن فرصت، به عنوان یک ضرر و خسارت مستقل، قائل به جبران شد. فرضی که در آن هیچ یک از اشکالات عدم مسلم بودن یا عدم وجود رابطه سببیت موضوعیت پیدا نمی کند. (کاظمی، ۱۳۸۰: ۲۲۱ به بعد)

چنانکه پیداست با پذیرش تفاسیر مصلحت اندیشانه نویسندگان در خصوص قابلیت جبران عدم النفع از یک طرف و از طرف دیگر پذیرش قابلیت جبران هزینه از دست رفتن فرصت به عنوان یک ضرر مستقل (در مواردی که شرایط دیگر بار کردن مسئولیت فراهم باشد) می توان پتانسیل های یک نظام حقوقی پیشرو را در ایران مشاهده کرد. امری که تا به حال رویه قضایی بدان روی خوش نشان نداده است.^{۴۴}

نتیجه گیری :

چنانکه دیدیم مفهوم ضرر اقتصادی محض بسیار گسترده تر از آنست که بتوان قاعده ای مطلق را بر همه ی مصادیق آن حاکم ساخت. چه در نظریه ی وظیفه گرا و چه در نظریه ی ابزار گرا برای قابلیت جبران ضراقتصادی قائل به تفکیک شده اند و از حاکم ساختن قاعده ای عام بر آن خودداری کرده اند. حتی در نظام هایی که قائل به عدم جبران ضرر اقتصادی محض هستند، تحت ملاحظات گوناگون استثنائاتی بر این قاعده وارد شده است. در خصوص گزینش روش برخورد با ضررهای اقتصادی محض هر دو نظریه ی وظیفه گرا

ونظریه ی ابزارگرا همچنان دارای طرفدارانی هستند. اختلاف این نظریات به اختلاف در مبانی پذیرفته شده توسط آنها برمی گردد. در واقع به اعتقاد طرفداران نظریه ابزارگرایی، مسئولیت مدنی رشته مستقلی از دانش نیست؛ آنچه در این ورطه اهمیت دارد رسیدن به اهداف مقصود به وسیله آنست. مسئولیت مدنی ابزاری است برای اجرایی کردن مطالعاتی که در دیگر گرایش های حقوقی صورت می گیرد و به خودی خود واجد ارزش نیست.

با این حال، با وجود اینکه نظریه ابزارگرایی از نقطه های اوج خود که در اواخر قرن بیستم اتفاق افتاد، فاصله گرفته است و طی سالهای اخیر نقد های فراوانی بدان وارد شده است؛ با توجه به مبانی خود طرحی منسجم تدوین کرده است که قابل اعتماد به نظر می رسد. در حیطه ی ضرر های اقتصادی محض، مطالعاتی که در حیطه ابزار گرایی بر این بخش از مسئولیت مدنی صورت گرفته است، هنوز جنبه عملی پیدا نکرده است و هیچ نظام حقوقی را نمی توان یافت به تفکیک و ارزیابی و مقایسه ضرر های خصوصی و اجتماعی بپردازد. این شاید بیشتر بدین خاطر باشد که ارزیابی ضرر اجتماعی بادشواری های خاص خود همراه است و بنابراین در این حیطه از حقوق مسئولیت مدنی باید مطالعات بیشتری صورت گیرد و تالیفات بیشتری به رشته تحریر در آید تا بتواند از محدوده بحث تئوریک صرف خارج شده، در نظام های حقوقی به اجرا دربیاید.

وضعیت نظام حقوقی ایران نسبت به قابلیت جبران مصادیق ضرر اقتصادی محض که تحت قلمرو تئوری از دست رفتن فرصت مورد بررسی قرار می گیرد، تا حدودی مبهم است. از طرفی موضع آن نسبت به مفهوم عدم النفع مسلم، به گونه ای مورد تردید است و از طرفی در حوزه قابلیت جبران هزینه از دست دادن فرصت اجتناب از ضرر، رویه قضایی از خود انعطاف ناپذیری شدیدی نشان می دهد. با این حال چنانکه گفته شد تفاسیر مصلحت اندیشانه حقوقدانان در این زمینه راه را برای توسعه و ترقی این حوزه از مسئولیت مدنی باز گذاشته است.

پی نوشت ها:

1. physical damage
2. consequential loss
3. pure economic loss

۴. تقسیم بندی رایج و شناخته تر در حقوق ایران تقسیم ضرر به ضرر مادی، معنوی و بدنی است. مقصود از ضرر مالی، زیانی است که در نتیجه از بین رفتن اعیان اموال یا کاهش ارزش اموال و مالکیت معنوی یا از بین رفتن منفعت حق مشروع اشخاص به آنان

می‌رسد. ضرر معنوی همان صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی است و صدمه های بدنی هم دسته ای بینابین دودسته ضرر قبلی هستند که هر دو چهره ی مادی و معنوی را دارند. نکته پیداست هیچ گونه تطابقی بین این دوگونه تقسیم دیده نمی شود. برای اطلاعات بیشتر در خصوص تقسیم بندی های ضرر ر. ک به کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۲۴۴

5. profit

۶. مثال فوق در یکی از آرای صادر شده در حقوق کامن لا (Dutton v Bognor Regis [1972]) ضرر اقتصادی محض دانسته شده است.

7. ricochet loss

8. cable cases

9. loss of a star cases

10. transferred loss

11. closure of public service

12. flawed professional advice

13. deontological theories

14. instrumentalism theories

15. Fontainebleau Hotel Croupe .v. Forty-Five twenty five. Inc 1950

۱۶. به نقل از بادینی، ۱۳۸۴، صص ۱۳۶ و ۱۳۴

۱۷. برای مطالعه بیشتر در خصوص دلایل موافقین و مخالفین ر. ک به : بادینی ۱۳۹۰، صص ۶۸-۷۰

۱۸. در میان سیستم های حقوقی، در خصوص قابلیت جبران ضرر اقتصادی محض در حوزه مسئولیت مدنی اختلاف های زیادی وجود دارد. تحلیل های حقوق تطبیقی نشان می دهند که سیاست ها و قواعدی که برای ضرر اقتصادی محض بر مسئولیت مدنی حکومت می کند، تحت حاکمیت اصول مشترکی نیستند و حتی سیستم هایی که به دنبال مانعی برای قابل جبران بودن ضرر اقتصادی محض هستند، از طرق مختلفی برای رسیدن به این هدف استفاده می کنند.

در ایالات متحده امریکا، قاعده ی ضرر اقتصادی محض بیان می کند که خواهان نمی تواند برای بی احتیاطی که سبب ورود ضرر اقتصادی محض شده تقاضای جبران خسارت کند. با این وجود در برخی از دعاوی، دادگاهها قاعده را نمی پذیرند و آرای آنها بر مبنای ملاحظات مصلحت اندیشانه خاصی صادر می شود. برای مثال می توان به دعوی استناد کرد که در آن محاسبات حسابداران شرکت نشان می داد که شرکت در حال توسعه است و خواهان دعوی براساس همین گزارش در شرکت سرمایه گذاری کرده و متضرر شده

بود. دادگاه با وجودی که حسابداران در برابر خواهان هیچ گونه وظیفه ای برعهده نداشتند، رای به نفع خواهان صادر کرد (Capario v Dickman [1990]).

اما در اروپا می توان بین رژیم های لیبرال (از قبیل بلژیک ، فرانسه ، یونان ، ایتالیا و اسپانیا)، رژیم های محافظه کار (مثلاً آتریش ، فنلاند ، آلمان ، پرتغال ، و سوئد) و رژیم های عمل گرا (انگلیس، هلند و اسکاتلند) تفکیک قائل شد. (Bussani and Palmer and Parisi, 2003, p30)

در رژیم های لیبرال جبران ضرر اقتصادی محض به کلی نفی و رد می شود. در مقابل در رژیم های محافظه کار ضرر اقتصادی محض در کنار حقوق مطلق (absolute rights) که از حمایت حقوق مسئولیت مدنی برخوردار هستند، قرار نمی گیرند. منظور از حق مطلق حقی است که در هر صورت قابل اعمال و مطالبه است و قابلیت مطالبه آن تحدید پذیر نیست. در حالی که جبران ضررهای اقتصادی محض ، براساس مقررات خاص مسئولیت مدنی یا با استفاده موسع از اصول قراردادی صورت می گیرد .

امادر رژیم های عمل گرا قاعده ضرر اقتصادی محض نه به طور کامل رد شده و نه به طور کامل پذیرفته شده است . در واقع در این سیستم ها بیشتر به ضرورت های اجتماعی در جهت برخورد با این ضررها توجه می شود و بنابراین با این قضایا به طور موردی برخورد می شود (Von Bar, 2004, p119- Bussani and Palmer and Parisi, 2003, p14).

۱۹. برای مطالعه ی بیشتر در این خصوص ر.ک به: بادینی ، ۱۳۸۴، ص ۶۴.

۲۰. مطالعه ی حقوق و اقتصاد در نگاه قدیم، عمدتاً بر اصول بازار آزاد تمرکز داشت واز محدوده ی مواردی چون رقابت، انحصار و زمینه هایی از حقوق (مانند حقوق شرکت ها) که مستقیماً با این موارد سروکار داشت فرا نمی رفت؛ اما در نگاه جدید حقوق و اقتصاد یا تحلیل اقتصادی حقوق، اثرات اقتصادی تمامی قلمرو حقوق (از حقوق مسئولیت مدنی گرفته تا جرم، حقوق خانواده، حقوق قراردادها و...) در کانون این تحلیل قرار دارد. (ابدالی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۳)

21. corrective justice

22. distributive justice

۲۳. از نظر ارسطو عدالت اصلاحی در ارتباط معاملاتی اشخاص اعم از ارادی و غیر ارادی پدید می آید که در آن مساوات ریاضی حاکم است. بنابراین می توان گفت مقصود از این قسم آن گونه از عدالت است که برحسب آن انسان ها مستقیماً تنبیه و مجازات می شوند و در اینجا اتفاق نظر است که مجازات های عادلانه باید از طرق مناسبی اعمال گردند و میزان مجازات باید نشانگر شدت جرم باشد و اما قسم دوم که در آن

ملاک و معیار توزیع مطرح می شود. در اینها ارسطو خاطر نشان می کند که عدالت فضیلتی است که به حسب آن باید هر کس آنچه را که حق اوست دارا باشد. برای مطالعه بیشتر رک به ارسطو، ۱۳۸۱، جلد ۱. فصول ۷ و ۶

۲۴. به نقل از صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۷۷

25. secondary cost avoidance
26. Bishop
27. Shavell
28. Landes
29. Goldberg
30. Mattiacci
31. Schäfer
32. private loss
33. social loss
34. positive liability
35. Externalities negative
36. negative liability
37. positive Externalities

۳۸. یکی از مهمترین عامل های شکست بازار که بررسی ان برای درک تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی ضروری است آثار خارجی است. در بازار معامله اختیاری است و برای هر دو طرف سودمند است و معمولا تمام منافع فعالیتی بدون اینکه در مورد ان توافقی صورت گرفته باشد بهره مند می شوند که از لحاظ اقتصادی به آن نفع خارجی (External benefit) می گویند. همچنین گاهی هزینه فعالیتی خاص بدون اینکه انجام دهنده ی فعالیت آن را تحمل مند و جزو هزینه های تولید به حساب آورد به دیگران منتقل می شود. از لحاظ اقتصادی به چنین هزینه هایی هزینه خارجی (External cost) یا هزینه اجتماعی (Social cost) می گویند. هزینه خارجی شکست بازار را در پی دارد و باعث می شود تا منابع به گونه ای کارا تخصیص پیدا نکند. در این موارد در اصطلاح اقتصادی می گویند بین هزینه نهایی خصوصی (Private marginal cost) و هزینه نهایی اجتماعی (Social marginal cost) تفاوت وجود دارد. (کوتر و آلن ۲۰۰۰ ص ۴۱؛ موریس و فیلیپس ۱۳۸۰، صص ۳۵۷ و ۳۵۸) به نقل از بادینی، ۱۳۸۴، ص ۴۱۰

۳۹. در اینجا منظور از بازدارندگی مفهوم اعم آنست که شامل بازدارندگی خاص و بازدارندگی عام می شود. منظور از بازدارندگی خاص (فردی) نقشی است که مسئولیت مدنی می تواند در بازداشتن وارد کننده زیان از ورود مجدد خسارت در آینده داشته باشد. این قسم از بازدارندگی در مقابل بازدارندگی عام قرار دارد که به

معنی پیشگیری در سطح جامعه و بازداشتن سایر افراد جامعه (علاوه بر وارد کننده زیان) از در پیش گرفتن رفتار زیانبار در آینده است که خود به بازدارندگی عام به مفهوم اقتصادی آن و بازدارندگی عام به معنی غیر اقتصادی تقسیم می شود.

۴۰. علی رغم این مساله، بسیاری از حقوقدانان معتقد به اصل لزوم جبران کلیه خساراتند و حمایت از حقوق زیاندیدگان را در سایه این اصل لازم می دانند و این امر را مقتضی عدالت و انصاف بر می شمردند، همچنین بررسی منابع حقوقی و فقهی نشان می دهد که قبول این نظریه منافاتی با مبانی فقهی و اصول کلی حاکم بر قوانین نوشته ایران ندارد؛ ضمن اینکه توجیه نظریه ی لزوم جبران کلیه خسارات بر مبنای تفسیر بعضی از فقها صورت گرفته و تنها با نظر مشهور فقها در این مورد انطباق ندارد.

باین وجود برخلاف تمایل عامی که در حقوقدانان ایران برای گسترش قلمروی ضررهای قابل جبران وجود دارد گسترش این قلمرو فی نفسه امر مطلوبی نیست. بلکه به نظر می رسد در برخورد با این ضررها باید قائل به تفکیک شد و با توجه به شرایط و مصالح مختلف و به طور موردی نسبت به قضایا تصمیم گرفت؛ امری که در حقوق کامن لا به خوبی دیده می شود. (بابایی، ۱۳۸۴، صص ۴۸ به بعد) در خصوص مصادیق ضرر اقتصادی محض در حقوق ایران راه برای چنین تفکیکی باز به نظر می رسد.

۴۱. عدم النفع محقق عبارت است از فوت شدن منفعتی که هرگاه فعل معین موجود نمی شد محقق آن منعت به متضرر می رسید و فعل مزبور سبب منحصر نرسیدن منفعت شده است.

۴۲. عدم النفع محتمل عبارت است از فوت شدن منفعتی که هرگاه فعل معین موجود نمی شد احتمال داشت که عاید طرف گردد.

۴۳. همچنین ر. ک به: کاتوزیان، ۱۳۷۴، جلد ۱، صص ۲۴۴ به بعد؛ سکوتی و شمالی، ۱۳۹۰، صص ۷۹-۹۸؛ رهپیک، ۱۳۷۹، صص ۲۵ به بعد.

۴۴. برای مثال ر. ک. به رای شماره ۸ مورخ ۱۳۷۵/۴/۱۲ دیوان عالی کشور

منابع

منابع فارسی

۱. ابدالی، مهرزاد. (۱۳۸۹)، «جایگاه اخلاق در تحلیل اقتصادی حقوق، نامه مفید»، شماره ۸۲.

۲. ارسطو، (۱۳۸۱). «اخلاق نیکوماخس»، ج اول، ترجمه ی ابوالقاسم پور حسینی، چاپ دوم، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۳. اصغری آقمشهدی، فخرالدین. (۱۳۸۱)، «خسارت عدم النفع در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین المللی کالا مصوب « ۱۹۸۰، نامه مفید شماره ۲۹.
۴. بابایی، ایرج. (۱۳۸۴)، «نقد اصل قابلیت جبران کلیه ی خسارات در حقوق مسئولیت مدنی ایران»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۵ و ۱۶.
۵. بابایی، ایرج. (۱۳۸۶)، «مبانی نظری رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۳.
۶. بادینی، حسن. (۱۳۸۴)، «فلسفه مسئولیت مدنی»، چاپ اول، شرکت سهامی انتشار.
۷. بادینی، حسن. (۱۳۸۲)، «مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۲.
۸. بادینی حسن. (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی قابلیت جبران ضرر اقتصادی در مسئولیت مدنی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱.
۹. حبیبی، بهنام. (۱۳۸۹)، «تحلیل اقتصادی حقوق خصوصی (ماهوی و شکلی)»، چاپ اول، انتشارات مجد.
۱۰. رهیچک، سیامک. (۱۳۷۹)، «خسارت عدم النفع، نظریات و مقررات»، مجله دیدگاههای حقوقی، شماره ۱۹ و ۲۰.
۱۱. سکوتی، رضا و شمالی، نگار. (۱۳۹۰)، «جایگاه عدم النفع در نظام حقوقی ایران»، نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱ و ۲.
۱۲. صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب الله. (۱۳۸۹)، «مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)»، چاپ اول، انتشارات سمت.
۱۳. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۴)، «الزام های خارج از قرارداد»، ج. اول، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. کاظمی، محمود. (۱۳۸۰)، «نظریه از دست رفتن فرصت در مسئولیت مدنی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۳.
۱۵. موریس، اسچارلز و فیلیپس اون آر، (۱۳۸۰)، «تحلیل اقتصادی: نظریه و کاربرد»، ترجمه دکتر حسن سبحانی، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران.

17. Bussani , maruro. Palmer, Vernon valentine(2003), **Pure Economic Loss in Europe**, Cambridge university press.
18. Bussani, Mauro and Palmer, Vernon Valentine and Parisi, Francesco (2003), **Liability For Pure Financial Loss in Europe : An Economic Restatement** , American Journal of Comparative Law, Vol. 51, No. 1.
19. Cane Peter.(1996),**Tort law and economic interests** , clarendon press.
 ,Robert and Ulen Thomas ,(2000),**Law and Economics**.3rd ed
 . longman addisonwesley.
20. Dari Mattiacci , Giuseppe,(2003), **THE ECONOMICS OF PURE ECONOMIC LOSS AND THE INTERNALISATION OF MULTIPLE EXTERNALITIES**, German Working Papers in Law and Economics
21. De Mot Jef (2005). Pure Economic Loss, 2nd edition, Volume 1, *Tort Law and Economics* University of Ghent.
22. Mercurio , Nicholas and Medema, Steven G,(1985) Lloyd Hampstead & M.D.A. Fre Introduction to Jurisprudence ,Princeton University Press.
23. Parisi, Francesco and Palmer , Vernon Valentine and Bussani, Mauro ,(2007). The comparative law and economics of pure economic loss, *International Review of Law and Economics*,27
24. Shavel, Steven(2004), *Economic Analysis of law*, NewYork.Foundation Press
25. Van Dam, Cees, (2006), *European Tort Law*, Oxford University Press.
26. Von Bar,Christian , Drobing Ulrich(2004),*The interaction of contract law and tort and property law in Europe* ,European law publishers.
27. Weinrib,Ernest(1995) *Idea of private law*, Harvard university Press.